بین الملل

آغاز به کار نشست وزرای خارجه سازمان همکاری اسلامی

پنجاه و دومین نشست شورای وزرای خارجه کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی دیروز با مشارکت ایران در بغداد آغاز به کار کرد.

به گزارش زمان به نقل ازمهر، صبح دیروز شنبه پنجاه و دومین نشست شورای وزرای خارجه سازمان همکاری اسلامی در بغداد با مشارکت هیئت های رسمی از کشورهای عضو با شعار «گفتگو و همبستگی ۲ رکن اصلی تقویت صلح و توسعه پایدار» آغاز به کار کرد. علی فالح الزیدی نخست وزیر عراق دیروز در آغاز این نشست ها سخنرانی کرد و ریاست آن از ترکیه به عراق منتقل شد. سید عباس عراقچی وزیر خارجه کشورمان نیز در این نشست ها حضور دارد. قرار است در این نشست ها در خصوص مسائل مورد توجه کشورهای عضو از جمله مسئله فلسطین، تحولات نوار غزه، تحولات منطقه و جهان در کنار موضوعات اقتصادی، اجتماعی و عمرانی بحث و تبادل نظر شود. عراق پیشتر اعلام کرده بود که میزبانی از این نشست ها برای بغداد فرصت مهمی را مهیا می کند. این کشور بر ضرورت تقویت گفتگو و تقویت تلاش ها در راستای تحقق اهداف سازمان همکاری اسلامی تاکید کرده بود.

اذعان ونس به اختلاف‌نظرش با ترامپ درباره جنگ ایران

ونس گفت که با ترامپ بر سر جنگ ایران اختلاف نظر داشته است.

به گزارش زمان به نقل ازایسنا، جی دی ونس، معاون دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در یک برنامه گفتگوی سیاسی به میزبانی شان اسپایسر، سخنگوی پیشین کاخ سفید گفت فکر می‌کنم خود من در مورد ایران اختلاف‌نظری با رئیس‌جمهور داشتم.» ونس درباره تاکر کارلسون، مفسر سیاسی و متحد سابق ترامپ که به یکی از علنی‌ترین مخالفان جنگ ترامپ با ایران تبدیل شده و معتقد است این جنگ در جهت منافع رژیم صهیونیستی است و با تعهد ترامپ برای جلوگیری از مداخلات نظامی پرهزینه خارجی در تضاد است، گفت: کارلسون نسبت به این جنگ «به شدت خشمگین» است. من و او، چه در خلوت و چه در جمع، در این باره گفت‌وگو کرده‌ایم. می‌دانم چه احساسی دارد و او را درک می‌کنم. او افزود: «به کارلسون گفتم نباید همه چیز را با هم در آمیخت. حتی اگر کسی با دونالد ترامپ مخالف باشد یا انتقادی دارد، نباید همه کارهای او را کاملا بد و بی‌ارزش بداند. به عنوان مثال، سیاست‌های سخت‌گیرانه‌تر مرزی و پایان دادن به تبعیض علیه سفیدپوستان در پذیرش دانشگاه‌ها به‌عنوان کارهای خوب ترامپ هستند.»

اظهارات ترامپ درباره اوکراین انتخاباتی است

وزیر امور خارجه آلمان با اشاره به نزدیک بودن انتخابات کنگره آمریکا، اظهارات رئیس‌جمهور آمریکا علیه اوکراین را دارای اهداف انتخاباتی عنوان کرد.

به گزارش زمان به نقل ازمهر، «یوهان وادهفول» وزیر امور خارجه آلمان و پائولو رانگل، همتای پرتغالی وی در نشست خبری مشترک در برلین بر تداوم حمایت از اوکراین تأکید کردند. وزیر امور خارجه آلمان با اشاره به موضع کشورش در قبال جنگ اوکراین گفت: «ما معتقدیم که در شرایط کنونی، امتیاز دادن به متجاوز، سیگنالی کاملاً اشتباه خواهد بود.» وزیر امور خارجه آلمان همچنین اظهارات اخیر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا را در چارچوب مرحله پایانی کارزار انتخاباتی آمریکا قابل ارزیابی دانست. وی افزود: «به باور من، باید به اصل موضوع توجه کنیم؛ اینکه ایالات متحده همچنان در کنار ما از اوکراین حمایت می‌کند.» وزیر امور خارجه پرتغال نیز در این نشست گفت: «در این وضعیت دشوار ژئوپلیتیکی، ما دیدگاه مشترکی داریم که شامل دفاع از چندجانبه‌گرایی، ترویج صلح و همبستگی تزلزل‌ناپذیر با اوکراین می شود.» رئیس جمهور آمریکا در روزهای اخیر ضمن تاکید بر لغو تحریم گازوئیل روسیه، خواستار برگزاری انتخابات به منظور تغییر رئیس جمهور اوکراین شده است.

تنش و درگیری لفظی میان نتانیاهو و اوباما

واکنش نخست وزیر رژیم صهیونیستی به انتقادات رئیس جمهور اسبق آمریکا علیه این رژیم باعث به وجود آمدن تنش میان دوطرف شد.

به گزارش زمان به نقل ازمهر، بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی روز جمعه سخنان باراک اوباما رئیس جمهور اسبق آمریکا علیه صهیونیست ها را تأسف بار خواند وی مدعی شد که صهیونیست ها اشغالگر نبوده و تاریخ آنها استعماری نیست و سرزمینی که در آن ساکن هستند به سرقت نرفته است! نتانیاهو در ادامه ادعاهای مضحک خود گفت: این سرزمین ما و نامش یهوداست. اوباما پیشتر در سخنانی در ایرلند شمالی، به طور تلویحی رژیم صهیونیستی را به زمین دزدی از فلسطینی ها متهم کرد و اظهار داشت: آنها در این کار زیاده روی کردند. وی با اشاره به اینکه میلیون‌ها یهودی و فلسطینی در منطقه زندگی می کنند و آن را ترک نخواهند کرد، از صهیونیست ها خواست تا در مورد آینده فرزندان و نوه‌های خود تجدید نظر کنند و از خود بپرسند که آیا همچنان پشت دیوارها زندگی خواهند کرد و اطرافیان خود را از بین خواهند برد، یا اینکه به دنبال راهی عادلانه برای دفاع از خود در عین پایبندی به اصول اخلاقی وانسانی خواهند بود.

پزشکیان: آموزش و پرورش هزینه نیست، سرمایه‌گذاری است

ایران باید به جایگاهی برسد که دشمنان جرئت تعرض نداشته باشند

رئیس‌جمهوری با اشاره به توانمندی علمی و دفاعی ایران، اظهار کرد: اگر امروز باقدرت در برابر دشمنان می‌ایستیم و به فناوری‌های پیشرفته، از جمله ساخت موشک، دست پیدا کرده‌ایم نشان‌دهنده ظرفیت‌های انسانی و علمی ایران است اما می‌توانیم بسیار بهتر از وضعیت موجود عمل کنیم تا ایران به جایگاهی برسد که هیچ دشمنی جرئت تعرض نداشته باشد.

به گزارش زمان به نقل ازایسنا، مسعود پزشکیان دیروز در مراسم بهره‌برداری متمرکز طرح‌های آموزشی و پرورشی با قدردانی از اقدامات انجام‌شده در حوزه آموزش و پرورش گفت: باور دارم که می‌توانیم بسیار بیشتر از این‌ها عمل کنیم وی در ادامه اظهار کرد: اینکه بپذیریم مدرسه‌ای نداشته باشیم تا فرزندانمان در آن آموزش ببینند اشکال بسیار بزرگی است. اگر این وضعیت را نپذیریم، آن‌وقت به دنبال راه‌حل خواهیم رفت؛ بنابراین قدم اول این است که نباید چنین شرایطی را بپذیریم و پس از آن باید ببینیم برای حل این مشکل چه کاری می‌توانیم انجام دهیم. رئیس‌جمهوری تصریح کرد: نباید بپذیریم فرزندانمان از آموزش مناسب محروم بمانند، فضای کافی و امکانات لازم را نداشته باشند و نتوانند در محیطی مناسب رشد کنند. پزشکیان با اشاره به تجربه دوران مسئولیت خود در دولت یادآور شد: زمانی که وزیر بودم، در جلسات دولت بارها درباره آموزش و پرورش و بهداشت و درمان بحث می‌شد و برخی این حوزه‌ها را هزینه تلقی می‌کردند؛ در حالی که وقتی ساختمانی ساخته یا کارخانه‌ای ایجاد می‌شد، از آن به‌عنوان درآمد و سرمایه‌گذاری یاد می‌کردند. وی ادامه داد: نمی‌خواهم به شکلی صحبت کنم که برداشت نامناسبی ایجاد شود، اما همان کارخانه یا ساختمانی که ایجاد می کنید اگر فرد شایسته‌ای بالای سر آن نباشد، می‌تواند تمام سرمایه شما را از بین ببرد و دیگر ارزشی نداشته باشد. رئیس‌جمهوری با تأکید بر اهمیت نیروی انسانی در حفظ و بهره‌برداری از سرمایه‌های کشور خاطرنشان کرد: سرمایه‌ای که ایجاد می‌کنید، بدون مدیریت و نیروی انسانی شایسته نمی‌تواند ارزش واقعی خود را حفظ کند. رئیس‌جمهور در ادامه از پیشنهاد تشکیل صندوق مردمی آموزش برای ارتقای کیفیت مدارس خبر داد و گفت: اگر هر ایرانی سهمی از درآمد خود را برای آموزش کودکان اختصاص دهد، می‌توان بهترین امکانات آموزشی را برای همه فرزندان این سرزمین فراهم کرد. پزشکیان با تأکید بر اینکه بزرگ‌ترین و ماندگارترین سرمایه کشور کودکان هستند، گفت: باید بپذیریم که ارزشمندترین سرمایه ما بچه‌های ما هستند. اگر این باور شکل بگیرد، تمام تلاش ما معطوف به ساختن آینده آنان خواهد شد. وی با تأکید بر عدالت آموزشی افزود: نباید شرایطی ایجاد شود که تنها فرزندان افراد ثروتمند یا برخوردار از روابط، فرصت پیشرفت پیدا کنند و دیگر کودکان عقب بمانند. آموزش حق مردم است و هیچ ارتباطی به پول، قومیت یا گرایش‌های مختلف ندارد. رئیس‌جمهوری با اشاره به ضرورت تحول در نظام آموزشی اظهار کرد: آموزش‌وپرورش و معلمان در حال تلاش هستند، اما این روند باید ارتقا پیدا کند و شیوه‌های آموزشی تغییر کند.پزشکیان گفت: اگر دو روز انسان مانند هم باشد، زیان کرده است. معلم باید همواره به دنبال راهی باشد که علم را بهتر منتقل کند و رفتار خود را اصلاح کند. بهترین روش را می‌توان در هر لحظه خلق کرد و اگر این باور در جلسه شکل بگیرد، ملت پویایی خواهیم داشت.وی با بیان برداشتی از سوره قدر، گفت: قدر یعنی انتخاب جایگاهی که انسان برای خود رقم می‌زند. اگر انسان قله را انتخاب کند، همه ظرفیت‌ها برای رسیدن به آن به کمک او خواهند آمد. رئیس‌جمهوری افزود: باید فرزندانمان را طوری تربیت کنیم که به سمت قله‌ها حرکت کنند؛ شاید نتیجه سرمایه‌گذاری امروز را نسل ما نبینند، اما نسل‌های آینده جامعه‌ای پویا، خلاق، سرشار از مهربانی و زندگی خواهند ساخت. پزشکیان از مشارکت مردم و خیرین در مدرسه‌سازی قدردانی کرد و گفت: دولت در شرایط جنگی با محدودیت‌هایی مواجه است، اما حتی دولت‌هایی که منابع بیشتری داشتند نیز نتوانستند همه این مشکلات را حل کنند. وی با اشاره به مشارکت مردمی افزود: اگر هر کسی یک خشت بیاورد، مدرسه ساخته می‌شود. مهم ایجاد باور و اعتماد میان مردم است که با همکاری یکدیگر می‌توانند این مسیر را پیش ببرند. پزشکیان با تأکید بر ضرورت ارتقای کیفیت آموزش گفت: نباید تصور کنیم وضعیت فعلی کافی است. روش‌های آموزشی ما نباید از استانداردهای دنیا ضعیف‌تر باشد. وی افزود: وظیفه مدیران این نیست که خود را عقل کل بدانند؛ باید زمینه بروز استعدادها و خلاقیت دیگران را فراهم کنند تا افراد توانمند بتوانند رشد کنند و کشور را به پیش ببرند. رئیس‌جمهوری با تأکید بر اهمیت تفویض اختیار اظهار کرد: هر کدام از افراد توانایی انجام کاری را دارند که شاید دیگران نتوانند انجام دهند و واگذاری اختیار به سطوح پایین‌تر، رمز پیروزی ما خواهد بود. وی با اشاره به تجربه شخصی خود گفت: تا دیروز نماینده بودم و امروز رئیس‌جمهور هستم؛ اتفاق خارق‌العاده‌ای رخ نداده است. افراد بسیاری می‌توانستند جای من باشند و باید میدان را برای حضور همه کسانی که توان خدمت دارند، باز کنیم.نباید افراد را حذف کنیم؛ هر کس هر اندازه توان خدمت دارد باید فرصت خدمت پیدا کند. پزشکیان با تأکید بر مسئولیت همگانی در تربیت نسل آینده گفت: اگر امروز جوانانی بیکار هستند یا در مسیرهای نادرست قرار می‌گیرند، ما مقصریم؛ زیرا مهارت، حل مسئله و توانمندی لازم را به آنان آموزش نداده‌ایم. وی افزود: این جوانان می‌توانند به جای آنکه مشکل جامعه باشند، مشکلات کشور را حل کنند و هر اندازه برای آموزش آنان وقت بگذاریم، کم گذاشته‌ایم. پزشکیان با اشاره به توانمندی‌های علمی و دفاعی کشور، تصریح کرد: اگر امروز می‌توانیم در برابر دشمنان با قدرت بایستیم و به فناوری‌های پیشرفته، از جمله ساخت موشک، دست پیدا کنیم، نشان‌دهنده ظرفیت‌های ارزشمند نیروی انسانی و توانمندی‌های علمی کشور است. با این حال، می‌توانیم بسیار بهتر از وضعیت موجود عمل کنیم تا ایران به جایگاهی برسد که هیچ دشمنی جرئت تعرض به آن را نداشته باشد. آموزش‌وپرورش نقشی اساسی در تربیت انسان‌هایی توانمند برای تحقق این هدف دارد. رئیس‌جمهوری با خطاب قرار دادن استانداران، مدیران، ائمه جمعه، خانواده‌ها و همه مسئولان گفت: آینده عزت یا ذلت ایران به همین کودکان وابسته است و باید دست به دست هم دهیم تا نسلی صمیمی، اخلاق‌مدار، خلاق، توانمند و اهل گفت‌وگو تربیت شود؛ نسلی که با عمل، مشکلات کشور را حل کند، نه صرفاً با شعار.

افتتاح مدرسه ۱۸ کلاسه و هوشمند امام علی(ع)

پزشکیان همچنین با افتتاح مدرسه ۱۸ کلاسه و هوشمند امام علی(ع) در شهرک باوان اسلامشهر و بازدید از کلاس‌های درس هوشمند و آزمایشگاه این مجموعه آموزشی، بر ضرورت تقویت یادگیری عملی، مهارت‌های کار گروهی و خلاقیت دانش‌آموزان تأکید و با حضور در دو کلاس درس هوشمند و آزمایشگاه مدرسه، از نزدیک شیوه‌های نوین تدریس و فرایند به‌کارگیری فناوری‌های آموزشی را بررسی کرد. در این بخش از برنامه، نحوه آموزش هوشمند به دانش‌آموزان به‌صورت عملی اجرا شد و ظرفیت‌های این رویکرد در تسهیل فرایند یاددهی - یادگیری مورد توجه قرار گرفت. رئیس‌جمهوری در این بازدید، با تأکید بر ضرورت ارتقای کیفیت نظام تعلیم و تربیت و حرکت از آموزش صرفاً نظری به سوی یادگیری عمیق، کاربردی و مهارت‌محور، نکات و توصیه‌هایی را برای بهبود روش‌های تدریس، افزایش مشارکت دانش‌آموزان و تحقق اهداف دولت در زمینه ارتقای کیفیت آموزشی مطرح کرد. وی با تأکید بر ضرورت پیوند میان مفاهیم نظری کتاب‌های درسی و کاربردهای عینی آن‌ها در زندگی روزمره، اظهار کرد: دانش‌آموزان باید بتوانند کاربرد مفاهیم علمی و آموزشی را در خارج از محیط کلاس نیز مشاهده کنند. بهره‌گیری از فیلم‌ها، کلیپ‌های آموزشی و نمایش عملی کاربرد فرمول‌ها و مفاهیم علمی از سوی معلمان، می‌تواند درک دانش‌آموزان را عمیق‌تر کرده و زمینه تثبیت آموخته‌ها را فراهم کند.

توطئه قدرت‌های جهانی در برابر ایمان بسیجیان شکست می‌خورد

نماینده ولی‌فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با تاکید بر اینکه توطئه‌های قدرت‌های جهانی در برابر ایمان و بصیرت بسیجیان به بن‌بست می‌رسد، گفت: اگر آمریکا و تمامی متحدانش دست به دست هم دهند، هرگز نخواهند توانست این نظام را شکست دهند.

به گزارش زمان به نقل ازایرنا، حجت‌الاسلام والمسلمین حاجی‌صادقی در جمع بسیجیان استان هرمزگان، با تبیین ابعاد مختلف فرهنگ بسیجی، اظهار کرد: بسیجی بودن تنها به پوشیدن لباس یا عضویت در یک سازمان محدود نمی‌شود، بلکه بسیجی حقیقی کسی است که با معرفت، بصیرت و ایمان، در مسیر ولایت حرکت می‌کند و تمام توان خود را در برابر تهدیدهای دشمن به کار می‌گیرد. وی با اشاره به الگوهای ماندگار نهضت عاشورا، بیان کرد: فرهنگ بسیجی را باید در سیره و منش یاران امام حسین(ع) جست‌وجو کرد؛ از حضرت ابوالفضل العباس(ع) و حضرت علی‌اکبر(ع) تا حضرت قاسم بن الحسن(ع) و حضرت زینب کبری(س) که هر یک الگوی ایمان، بصیرت، وفاداری و ایستادگی در راه حق بودند. نماینده رهبر انقلاب در سپاه پاسداران با تاکید بر اینکه بسیجی حقیقی جان، آبرو و توان خود را در راه دفاع از دین و اطاعت از ولایت تقدیم می‌کند، تصریح کرد: فرهنگ بسیجی، فرهنگ عزت، ایثار و تسلیم‌ناپذیری بوده و استمرار انقلاب اسلامی به حفظ و تقویت این فرهنگ وابسته است. حجت الاسلام حاجی‌صادقی با اشاره به اینکه دشمن امروز به دنبال تضعیف فرهنگ بسیجی از درون است، خاطرنشان کرد: ایجاد تردید، گسترش شبهات و اختلاف‌افکنی از جمله راهبردهای دشمن برای تضعیف ایمان، بصیرت و روحیه ایثار و شهادت‌طلبی در جامعه است؛ ازاین‌رو بسیجیان باید با شناخت درست جبهه حق و باطل و تبعیت از رهنمودهای رهبری، در مسیر انقلاب ثابت‌قدم بمانند. وی با تاکید بر ضرورت وحدت نیروهای انقلابی گفت: امروز زمان کنار گذاشتن اختلافات غیرضروری و تمرکز بر مقابله با دشمنان اصلی است و بسیجیان باید با امید، بصیرت و اطمینان به آینده، مسیر دفاع از کشور و آرمان‌های انقلاب اسلامی را ادامه دهند.

هشدار نسبت به پیامدهای استفاده آمریکا از سلاح‌های ممنوعه علیه ایران:

هر جنبنده آمریکایی هدف مشروع ایران خواهد بود

نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با هشدار نسبت به پیامدهای استفاده آمریکا از سلاح‌های ممنوعه علیه ایران، تأکید کرد: در صورت اقدام آمریکا به استفاده از چنین سلاح‌هایی، ایران با اتکا به توانمندی‌های فناورانه، نظامی و امنیتی خود پاسخ خواهد داد.

به گزارش زمان به نقل ازخانه ملت، عباس مقتدایی در واکنش به گزافه‌گویی اخیر دونالد ترامپ درباره استفاده از «مادر بمب‌ها» علیه ایران، گفت: آمریکایی‌ها سال‌ها همواره مدعی بودند که همه گزینه‌ها روی میز است و از تمامی گزینه‌های خود استفاده کرده‌اند؛ اکنون صرفاً تهدید به استفاده از بمب‌هایی با ابعاد خطرناک هسته‌ای یا شبه‌هسته‌ای را به‌عنوان یکی از گزینه‌های خود مطرح می‌کنند.نماینده مردم اصفهان در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: این رویکرد آمریکایی‌ها، در وهله نخست، نشان‌دهنده خالی بودن دست آنهاست؛ چراکه دیگر گزینه‌ای برای اقدام در اختیار ندارند. نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس تصریح کرد: اگر آمریکایی‌ها وارد چنین فضایی شوند، همه افراد منتسب به آمریکا، هم‌پیمانان آنها، پایگاه‌های پیدا و پنهانشان و هر جنبنده‌ای از این دست، هدف مشروع مقابله ایران خواهند بود. این رویکرد، هم از منظر روانی و ابعاد روان‌شناختی، هم از منظر حقوق بین‌الملل در چارچوب دفاع از خود و دفاع مشروع و هم از ابعاد نظامی و امنیتی، توجیه‌پذیر خواهد بود. وی با تأکید بر اینکه ایران دست‌بسته نیست، افزود: ایران از توانمندی‌های فناورانه و تکنولوژیک برای مقابله برخوردار است. اروپا، آمریکا و هم‌پیمانان آمریکا در منطقه نیز قطعاً همان‌گونه که آمریکایی‌ها هدف قرار خواهند گرفت، با خسارت‌های جبران‌ناپذیری مواجه خواهند شد؛ خسارت‌هایی که برای طرف‌های همراه آمریکا در نظر گرفته شده و در صورت لزوم اعمال خواهد شد.مقتدایی خاطرنشان کرد: ایران تاکنون در همه زمینه‌ها رفتاری خردمندانه، خویشتن‌دارانه و مبتنی بر قواعد انسانی داشته است؛ اما اگر طرف مقابل چارچوب‌ها و قواعد را بشکند، قطعاً ساختارهای آنها نیز با شکست مواجه خواهد شد. وی همچنین با بیان اینکه آمریکایی‌ها با استفاده از فناوری‌هایی از این دست نمی‌توانند به اهدافی که پیش‌تر اعلام کرده بودند دست یابند، گفت: آنها نهایت جنایت، خشونت، گستاخی و هر آنچه را که در توان داشتند، انجام دادند، اما به هدف خود نرسیدند. اگرچه به ایران خسارت وارد کردند، اما در جنگی که به راه انداختند، از نظر افکار عمومی و ابعاد فناورانه پیروز نشدند؛ بلکه آمریکای امروز، هم در واقعیت و هم در افکار عمومی، کوچک‌تر از آمریکای یک سال پیش جلوه کرده است. بنابراین، اعتبار و حیثیتی را هم که آمریکایی‌ها داشتند، از بین رفته است. نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در پایان تأکید کرد: اگر آمریکایی‌ها قصد استفاده از سلاح‌های ممنوعه را داشته باشند، عملاً کاخ سفید را به کاخ سیاه و تلی از خاکستر تبدیل خواهند کرد.

انتقاد اسپانیا به تبعات مالی سنگین جنگ‌افروزی علیه ایران

نخست وزیر اسپانیا از تبعات مالی سنگین جنگ‌افروزی علیه ایران انتقاد کرد و گفت: جنگ علیه ایران ۱۰۰ میلیارد یورو هزینه برای اروپا داشته است.

به گزارش زمان به نقل ازمهر، پدرو سانچز نخست وزیر اسپانیا با انتشار یک پست در فضای مجازی تاکید کرد: جنگ علیه ایران تاکنون بیش از ۱۰۰ میلیارد یورو (۱۱۲ میلیارد دلار) برای اروپایی ها هزینه داشته است. وی اضافه کرد: ما حق داشتیم که از این جنگ حمایت نکرده و علیه آن اعتراض کردیم. می دانستیم که در نهایت مردم عادی باید هزینه آن را بپردازند. سانچز با اشاره به پیامدهای اقتصادی جنگ افروزی علیه ایران تصریح کرد: به همین دلیل است که ما در پارلمان، بسته حمایتی اجتماعی به ارزش بیش از ۱۲ میلیارد یورو (۱۳.۴ میلیارد دلار) را برای حمایت از شهروندان و بخش های آسیب دیده تصویب کرده ایم. وی اضافه کرد: اکنون زمان آن رسیده است که به این فاجعه پایان دهیم.

سرمقاله

خطای محاسباتی غرب در شناخت ایران

سعید شهرابی فراهانی

در مواجهه با ایران، همانند هر بازیگر پیچیده دیگری، نه فرض تسلیم اجتناب‌ناپذیر معتبر است و نه فرض مقاومت نامحدود. هر دو برداشت می‌توانند به خطای محاسباتی منجر شوند.

این عبارت که «شاید در برخورد با رهبران ایران زیاده‌روی کرده باشیم، زیرا دیگر نمی‌دانیم دقیقاً با چه کسانی طرف هستیم»، اگر بازتاب‌دهنده ارزیابی واقعی تصمیم‌گیران یک قدرت خارجی باشد، می‌تواند نشانه‌ای از بازنگری در محاسبات راهبردی آن‌ها تلقی شود. اهمیت این گزاره صرفاً در احتمال پذیرش اشتباه نیست؛ بلکه در طرح یک پرسش بنیادی نهفته است: آیا ابزارهای فشار و تقابل، به‌جای وادار کردن طرف مقابل به عقب‌نشینی، شناخت تصمیم‌گیرندگان از رفتار و منطق راهبردی او را دشوارتر کرده‌اند؟ در روابط بین‌الملل، قدرت نظامی، اقتصادی و فناورانه لزوماً به معنای شناخت دقیق طرف مقابل نیست. گاهی یک بازیگر از توان اعمال فشار گسترده برخوردار است، اما در ارزیابی اراده سیاسی، آستانه تحمل، محاسبات امنیتی و ظرفیت سازگاری رقیب دچار خطا می‌شود. در چنین شرایطی، مسئله اصلی نه فقدان قدرت، بلکه فاصله میان قدرت و شناخت است.

معمای ایران: چرا الگوهای ساده‌انگارانه پاسخ‌گو نیستند؟

ایران را نمی‌توان صرفاً با یک متغیر، یک نهاد یا یک تصمیم مقطعی تحلیل کرد. سیاست خارجی این کشور از تعامل میان ملاحظات امنیت ملی، ساختارهای رسمی و نهادی، منافع اقتصادی، نگرانی‌های ژئوپلیتیک، برداشت‌های تاریخی و محاسبات بازدارندگی تأثیر می‌پذیرد. این پیچیدگی به معنای آن نیست که رفتار ایران غیرقابل‌فهم یا پیش‌بینی‌ناپذیر است؛ بلکه نشان می‌دهد تحلیل معتبر به بررسی همزمان چند سطح نیاز دارد. تصمیمی که از بیرون نشانه عقب‌نشینی به نظر می‌رسد، ممکن است در محاسبات داخلی اقدامی تاکتیکی تلقی شود. در مقابل، موضعی که ظاهراً بیانگر پافشاری است، لزوماً به معنای آمادگی برای تشدید نامحدود تقابل نیست.خطای راهبردی زمانی شکل می‌گیرد که یک دولت، واکنش رقیب را بر اساس ترجیحات و منطق تصمیم‌گیری خودش پیش‌بینی کند و تفاوت‌های محیط امنیتی و سیاسی دو طرف را نادیده بگیرد.

عبور از سطح اول به سطح دوم و دوونیم: مسئله تشدید کنترل‌نشده

اشاره به «سطح اول، سطح دوم و سطح دوونیم» را می‌توان به‌عنوان استعاره‌ای برای افزایش تدریجی دامنه فشار و عبور از مراحل محدود تقابل تفسیر کرد؛ البته بدون اطلاع از زمینه اصلی این عبارت، نمی‌توان آن را یک طبقه‌بندی رسمی یا اصطلاح تثبیت‌شده نظامی دانست. در مرحله نخست، فشار ممکن است به‌منظور ارسال پیام، ایجاد بازدارندگی یا تغییر محاسبات طرف مقابل اعمال شود. در مرحله بعد، گسترش فشار می‌تواند حوزه‌های بیشتری از منافع و ظرفیت‌های رقیب را درگیر کند. اما هرچه دامنه تقابل افزایش یابد، احتمال بروز واکنش‌های پیش‌بینی‌نشده نیز بیشتر می‌شود. مسئله در اینجا صرفاً شدت اقدام نیست؛ بلکه رابطه میان شدت اقدام و نتیجه مورد انتظار است. اگر افزایش فشار به تغییر رفتار مطلوب منجر نشود، تصمیم‌گیرنده با یک دوراهی روبه‌رو می‌شود: ادامه مسیر و پذیرش هزینه‌های فزاینده، یا بازنگری در مفروضات اولیه. در چنین وضعیتی، آنچه «زیاده‌روی» نامیده می‌شود، الزاماً به معنای انجام یک اقدام خاص نیست؛ ممکن است به معنای ورود به مرحله‌ای باشد که هزینه‌های آن از منافع قابل دستیابی فراتر رفته است.

پارادوکس فشار: چرا افزایش هزینه‌ها همیشه به تسلیم منجر نمی‌شود؟

یکی از مفروضات بحث‌برانگیز در سیاست فشار این است که افزایش هزینه‌های طرف مقابل، به‌طور مستقیم اراده سیاسی او را تضعیف می‌کند. این رابطه در همه شرایط برقرار نیست. فشار خارجی ممکن است منابع اقتصادی و عملیاتی یک کشور را محدود کند، اما همزمان انگیزه‌های امنیتی، انسجام سیاسی یا تمایل به حفظ استقلال تصمیم‌گیری را تقویت کند. نتیجه نهایی به عوامل متعددی از جمله میزان آسیب‌پذیری اقتصادی، ارزیابی رهبران از تهدید، حمایت داخلی، ظرفیت سازگاری و وجود مسیرهای خروج از بحران وابسته است. از سوی دیگر، فشار بیش از حد می‌تواند فضای مصالحه را محدود سازد. هنگامی که هزینه عقب‌نشینی از نگاه تصمیم‌گیرندگان افزایش پیدا می‌کند، توافقی که پیش‌تر امکان‌پذیر بود، ممکن است دشوارتر شود. بنابراین، مسئله اصلی این نیست که فشار همیشه بی‌اثر است یا همواره نتیجه معکوس دارد؛ مسئله این است که اثربخشی آن به هدف، زمان‌بندی، تناسب ابزارها و برداشت طرف مقابل وابسته است.

خطای شناختی: وقتی طرف مقابل را با الگوی ذهنی خود می‌سنجیم

یکی از خطرناک‌ترین اشتباهات در محاسبات راهبردی، جایگزین‌کردن شناخت واقعی رقیب با تصویری ساده‌شده از اوست. اگر یک دولت تصور کند طرف مقابل دقیقاً در همان نقطه‌ای عقب‌نشینی خواهد کرد که خود آن دولت منطقی می‌داند، ممکن است نشانه‌های هشداردهنده را نادیده بگیرد. این خطا می‌تواند به ارزیابی نادرست از خطوط قرمز، ظرفیت تحمل هزینه، اولویت‌های امنیتی و واکنش‌های احتمالی منجر شود. همچنین، اتکای بیش از اندازه به برآوردهای اولیه ممکن است موجب شود اطلاعات تازه نه برای اصلاح تحلیل، بلکه برای تأیید فرضیه‌های قبلی تفسیر شوند. اعتراف احتمالی به اینکه «دیگر نمی‌دانیم با چه کسانی طرف هستیم»، از این منظر، بیانگر یک پرسش جدی درباره کیفیت شناخت راهبردی است؛ نه لزوماً نشانه ضعف قطعی یا شکست طرف مقابل.

پیامدهای منطقه‌ای: خطر گسترش دامنه تقابل

در محیط امنیتی خاورمیانه، تشدید تقابل میان ایران و رقبای خارجی می‌تواند فراتر از روابط دوجانبه پیامد ایجاد کند. افزایش نااطمینانی، تغییر محاسبات بازدارندگی، اختلال در مسیرهای تجاری و انرژی و افزایش احتمال سوء‌برداشت، از جمله مخاطراتی هستند که باید در ارزیابی هر تصمیم لحاظ شوند. با این حال، وقوع چنین پیامدهایی قطعی نیست. توان مدیریت بحران، ارتباطات دیپلماتیک، سازوکارهای کاهش تنش و محاسبه دقیق هزینه‌ها می‌توانند از گسترش درگیری جلوگیری کنند. در نتیجه، هر راهبردی که صرفاً بر افزایش فشار متمرکز باشد و برای واکنش‌های احتمالی طرف مقابل، سناریوهای جایگزین و مسیر خروج از بحران برنامه روشنی نداشته باشد، با خطر افزایش هزینه‌های پیش‌بینی‌نشده روبه‌رو خواهد شد.

درس راهبردی: قدرت بدون شناخت کافی نیست

مهم‌ترین درس این بحث آن است که موفقیت راهبردی با تعداد اقدامات انجام‌شده یا شدت فشار اعمال‌شده سنجیده نمی‌شود؛ بلکه به میزان تحقق اهداف، کنترل هزینه‌ها و توان مدیریت پیامدهای ثانویه بستگی دارد. یک سیاست مؤثر باید مشخص کند که هدف نهایی چیست، چه شاخص‌هایی تحقق آن را نشان می‌دهند، کدام اقدامات احتمالاً نتیجه معکوس دارند و در چه نقطه‌ای باید مسیر تغییر کند. همچنین، ارزیابی مستمر واکنش‌های واقعی طرف مقابل ضروری است؛ زیرا راهبردی که بر مفروضات نادرست بنا شده باشد، حتی با برخورداری از منابع گسترده نیز می‌تواند به نتیجه نامطلوب برسد.

جمع‌بندی

عبارت مورد بحث را می‌توان هشداری درباره فاصله میان توان اعمال فشار و توان پیش‌بینی نتایج آن دانست. در مواجهه با ایران، همانند هر بازیگر پیچیده دیگری، نه فرض تسلیم اجتناب‌ناپذیر معتبر است و نه فرض مقاومت نامحدود. هر دو برداشت می‌توانند به خطای محاسباتی منجر شوند. معیار ارزیابی یک راهبرد، نه میزان سخت‌گیری آن، بلکه تناسب ابزارها با اهداف و توانایی آن در مدیریت واکنش‌های پیش‌بینی‌شده و پیش‌بینی‌نشده است. در نهایت، پرسش تعیین‌کننده این نیست که یک طرف تا چه اندازه می‌تواند فشار وارد کند؛ بلکه این است که آیا می‌تواند پیامدهای فشار خود را به‌درستی بشناسد و کنترل کند. در سیاست بین‌الملل، گاهی خطرناک‌ترین لحظه زمانی فرا می‌رسد که یک قدرت هنوز از ابزارهای فراوان برخوردار است، اما دیگر از میزان تأثیر واقعی آن ابزارها بر محاسبات رقیب اطمینان ندارد.

zamanagahi@chmail.ir